سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۶

نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

شنبه ۴ اسفند ۱۴۰۳ ۸ صفحه

۲۰۰۰ تومان (مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

بیش از یک قرن درمان بوشهری‌ها؛ با طبابت خاندان طبیب



واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول

تضادها و اختلافات روسای محلی، در نهضت مقاومت جنوب

آیا دولت چهاردهم می‌تواند دخل و خرج ملت را جور کند؟



بر اساس جدیدترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، اقتصاد ایران در سال آینده با چالش‌های جدی از جمله کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم و گسترش فقر مواجه خواهد شد. این در حالی است که برنامه هفتم توسعه، رشد اقتصادی ۸ درصدی را هدف‌گذاری کرده است. این گزارش البته، پیش از مسائل سیاسی اخیر از جمله قطعنامه ضد ایرانی جدید و ارتباط آن با مسائل اقتصادی منتشر شده است.

به گزارش فرارو، عدم هماهنگی بین نرخ فقر و خط فقر و وضعیت حقوق و دستمزدها مورد دیگری است که سوالاتی را ایجاد می‌کند. از روزهای پیش از انتخابات ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان وعده داده بود که به مسائل معیشتی، توجه ویژه خواهد داشت و اکنون این پرسش مطرح است که آیا راهکاری برای نزدیک‌تر شدن شکاف بین دستمزدها و خط فقر وجود دارد؟ تیم اقتصادی دولت چهاردهم در این بیش از ۱۰۰ روز در این زمینه چه کرده یا چه می‌توانسته انجام دهد؟ مرتضی افقه، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه چمران اهواز در گفتگو با فرارو، به این پرسش‌ها پاسخ داده است:

مرتضی افقه به فرارو گفت: «به اعتقاد من آقای پزشکیان باید از قبل وعده حل مشکلات معیشتی، همکاری و کمک را از مسئولان می‌گرفت یا حداقل این وعده را می‌گرفت که گروه‌های تندرو مزاحمش نشوند، چرا که هم اکنون کمتر کسی است که بتواند از پس وضعیت اقتصادی کشور بربیاید. حتی اگر دولت آقای رئیسی نیز ادامه پیدا می‌کرد و حتی اگر یک اصولگرای تندرو نیز رئیس‌جمهور می‌شد، با یک خزانه خالی و در سایه ظهور ترامپ، شرایط فرقی نمی‌کرد. درواقع وقتی ترامپ برگردد، اگر تصمیم بگیرد بار دیگر فشار حداکثری را اجرا کند، همین اندک نفتی را که طی چند سال اخیر، به صورت دور زدن تحریم‌ها می‌فروختیم، را نمی‌توانیم بفروشیم. در نتیجه همه این‌ها معتقدم در کوتاه مدت، تقریبا هیچ کاری از دست مسئولان بخش اقتصادی کشور، بر نمی‌آید. ما به تعدادی تحولات ساختاری جدی نیاز داریم تا بتوانیم امیدوار باشیم که داخل کشور تحولی در حوزه اقتصاد و وضعیت معیشت و تورم کشور رخ دهد.»

وی افزود: «باید این موضوع را بپذیریم که تحولات ساختاری نیاز به پذیرش و اراده اولیه دارد و نکته دیگر این که بسیار زمان بر است. ما هنوز در همین مرحله نیز بسیار مشکل داریم درواقع به محض آغاز شدن تغییرات ساختاری که هم اکنون در برابر آن مقاومت جدی وجود دارد، گروه‌های ذینفعی که از شرایط فعلی سود می‌برند، کارشکنی خواهند کرد. باز هم تاکید می‌کنم که در شرایط فعلی کشور، نه فقط دولت پزشکیان، بلکه هیچ دولتی نمی‌توانست تحول خیره‌کننده‌ای ایجاد کند. شاید وعده‌هایی که آقای پزشکیان در دوران انتخابات درباره بهبود معیشت مردم می‌داد از این جهت بود که ایشان امیدوار بودند وقتی سر کار بیایند با مجوزی که دریافت کرده اند، وارد مذاکرات شوند و فشار تحریم را بردارند. اما عملا با آمدن ترامپ، این امید وارد چالشی جدی شده است. من معتقدم تغییرات اقتصادی از داخل کشور تقریبا ناممکن است. در حال حاضر با این خزانه خالی که برای دولت به ارث رسیده است، عملا هیچ کار خارق العاده‌ای نمی‌شود انجام داد. اگر با آمدن ترامپ آن ۱ و نیم میلیون بشکه‌ای که پیش بینی شده، نتوانیم بفروشیم، با مشکلاتی جدی در بخش بودجه رو به رو می‌شویم. دولت منبع دیگری برای جایگزینی ندارد و از سال ۱۳۹۷ تا کنون هر چه منبع بوده، به انتها رسیده است. مگر این که صندوق توسعه ملی هنوز چیزی در چنته داشته باشد، اما قرار بود صندوق توسعه را هم برای روزهای سخت‌تر احتمالی آینده کنار بگذاریم.» باید روی سیاست خارجی و توسعه روابط با اروپا متمرکز شویم.

این استاد اقتصاد در ادامه گفت: «دولت در بودجه سال آینده، ۵۰ درصد به مالیات‌ها افزوده و این در حالیست که در ۲ سال گذشته، دولت رئیسی هم هر سال حدود ۴۰ الی ۵۰ درصد به مالیات‌ها می‌افزود، اما به نظر نمی‌رسد دولت فعلی در سال آینده بتواند این ۴۰ درصد را اضافه کند چرا که ظرفیت مالیات‌دهندگان نیز به اتمام رسیده است، مگر این که بتوانند فرارهای مالیاتی ابرثروتمندان را کشف کنند یا آن موسسات و بنگاه‌هایی را که معاف از مالیات بوده اند، مکلف به مالیات دهی کنند، وگرنه اگر بخواهند از همین بخش تولید و مصرفی که تا به حال مالیات گرفته اند باز هم فشار بیشتری وارد کنند، حقیقت این است که چیز بیشتری برای مالیات گرفتن باقی نمانده و این وضعیت نیز باعث فقیرتر شدن مردم و کاهش تولید می‌شود. منابع دیگر نیز که شامل مواردی مثل فروش اموال دولتی می‌شود نیز به ته ظرفیت خود رسیده اند.»

وی افزود: «اگر مثل دوره ریاست جمهوری خاتمی می‌توانستیم، با اروپایی‌ها صمیمی‌تر شویم، می‌توانستیم از ظرفیت‌ها نهایت استفاده را ببریم، اما اکنون ترمیم روابط با اروپا بسیار دشوار به نظر می‌رسد، به خصوص این قطعنامه اخیری که علیه ما صادر شده است، نشان می‌دهد وضعیت بهبود روابط با دیگر کشورها، چندان ساده نیست. بهترین کار در حوزه سیاست خارجی می‌توانست تلاش برای نزدیک شدن به اروپا باشد. سفر آقای عراقچی به پرتغال، نیز مورد توجه است البته با ذکر این نکته که متاسفانه پرتغال به لحاظ سیاسی جایگاه سیاسی و اقتصادی خاصی ندارد. اما به هر حال فعلا دیپلماسی خارجی مهمترین عامل تاثیرگذار خواهد بود. اگر دیپلماسی موفق باشد شاید امیدهایی باشد. پزشکیان وارث شرایطی شده که شاید حتی خود نیز نمی‌دانست تا چه حد سخت و خطرناک خواهد بود.»

بوشهر، رتبه سوم بالاترین تولید ناخالص داخلی کشور

اکوایران: بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ بالاترین تولید ناخالص داخلی به ترتیب به استان‌های تهران، خوزستان و بوشهر تعلق گرفته است.

براساس گزارش مرکز آمار از حساب‌های منطقه‌ای حجم اقتصاد استان‌های کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ اعلام شده است. براین اساس استان تهران که پایتخت کشور نیز محسوب می‌شود دارای بیشترین حجم تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۰ بوده است. به طوری که کیک اقتصاد این استان به تنهایی از حجم اقتصاد ۱۸ استان کشور بالاتر محاسبه شده است.

پرونده کرسنت محصول عدم شفافیت است

محمد فاضلی در ایکس نوشت: این‌که هیچ پاسخ‌گویی و شفافیتی در پرونده رسنت وجود ندارد و همه چیز به دعوای سیاسی و فردی تقلیل پیدا کرده، و هیچ راهی برای پاسخگو کردن مقصرین وجود ندارد؛ خسارت بزرگ‌تری است تا مبلغ خسارت تعیین شده! آن خسارت میلیارد دلاری، محصول همان سازوکار حکمرانی فاقد شفافیت و پاسخ‌گویی است.

روزنامه شرق نیز نوشت: جلیلی باید به این سؤال روشن پاسخی کوتاه و شفاف بدهد که چگونه محاسبه کرده و به نتیجه رسیده است که ضرر اجرای قرارداد از ضرر پرداخت خسارت بیشتر است. به بیان دیگر برآورد رقمی ایشان از این دو ضرر چه بوده و با چه مبنایی محاسبه شده است.

تمامیت‌خواهان و خالص‌سازها؛ عامل مشکلات اقتصادی

علی سروش زاد

تمامیت خواهان جمعیتی اندک سیزده درصدی در کشور هستند که فکر می کنند به‌واسطه برخی خدماتی که قبلا داشتند، ایران فقط برای آن هاست و باید منت سر اکثریت بگذارند و هر کاری که دوست دارند در کشور انجام بدهند.
آن‌ها جمعیت متنعم و اندکی هستند که قدرت، نفوذ و ثروت هنگفتی مخصوصا با جلوگیری از مذاکرات مستمر در جهت رفع تحریم‌ها می‌برند و قدرت، نفوذ و ثروت‌شان با وجود تحریم ها و عدم ارتباط با دنیا بیشتر و بیشتر می شود و از آن ها به نام کاسبان تحریم یاد می شود.
آن‌ها دنبال خالص سازی هستند یعنی در تمامی سطوح چه سطح خرد، میانه و کلان در سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی کشور برنامه دارند تا به‌وسیله عناصر خود تمامی پست ها را تسخیر کنند و این که چه بلایی بر سر کشور و مردم می‌آید اهمیت چندانی ندارد.
قانون‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری سیاسی‌شان کانالیزه کردن قدرت و ثروت به سمت گروه‌های سیزده درصدی و سهمیه دارهاست و تمام امیدواری‌شان این است که مشارکت مردم در انتخابات کم باشد تا بتوانند کرسی‌های قدرت و قانون‌گذاری در کشور را نصیب خود کنند.
البته این تفکر بزرگ ترین ضربه چه در حوزه داخلی چه حوزه خارجی به کشور وارد می‌کند، در حوزه داخلی باعث می‌شود سرمایه اجتماعی هشتاد و هفت درصدی از نظام فاصله بگیرد و در امتداد این فاصله و ضعف مشروعیت، دستگاه‌های اطلاعاتی دشمنان هوشیار می شوند و برنامه ریزی و زمینه‌چینی می کنند تا اقداماتی علیه منافع ایران چه در داخل و چه در خارج داشته باشند. قطعا مشارکت پایین مردم در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری به‌دلیل عملکرد ضعیف دولت سیزدهم در اتفاقات اخیر لبنان، سوریه و فلسطین و از دست رفتن منافع ملی ایران که سرمایه‌گذاری عظیمی هم برای آن‌ها شده بود رابطه مستقیم و معناداری دارد.
خارج شدن از پوسته های حساس امنیتی در مواجه با مسائل اجتماعی و انعطاف‌پذیری در امور روزمره و مسائلی که با نیاز مردم سرکار دارد باید در دستور کار قرار گیرد. البته این موضوع در مواجه با مسائل امنیت ملی و اقدامات تجزیه طلبانه صدق نمی کند.
مذاکره بر پایه منافع ملی و مستمر در جهت رفع موانع



اقتصادی با تمامی کشورها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی جهت شکوفایی اقتصادی در حوزه بین‌الملل، مبارزه با فساد اقتصادی و توزیع عادلانه قدرت و ثروت بین تمامی مردم، حذف اقلیت خالص‌ساز و تمامیت‌خواه از صحنه سیاسی، قدرت کشور و همچنین انعطاف‌پذیری شورای محترم نگهبان و تصمیم‌گیرندگان کشور جهت حضور جریان‌های مختلف سیاسی در انتخابات آتی و حضور حداکثری جهت بازیابی مشروعیت نظام در حوزه داخلی می‌تواند در مسائل و گره‌هایی که در حال حاضر در کشور وجود دارد مفید واقع گردد.
ما برای بازپس‌گیری تمدن شکوهمند ایرانشهر نیازمند به حمایت بین‌المللی و شریک‌های قدرتمند هستیم و نباید اشتباهات آلمان در جنگ جهانی دوم را مرتکب بشویم./ فرارو

حداقل و حداکثر عیدی امسال کارگران چه میزان است؟



به گزارش مهر، حداقل و حداکثر عیدی امسال جامعه کارگری مشخص شد.
بر اساس قانون، عیدی کارگران ۲ برابر پایه دستمزد کارگران است و این عدد کف بوده و حداقل عیدی محسوب می‌شود. همچنین سقف عیدی ۳ برابر حداقل دستمزد کارگران مصوب شورای عالی است.
امسال پایه حداقل دستمزد کارگران ۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بود و بر این اساس حداقل عیدی نباید کمتر از ۱۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باشد. از سوی دیگر حداکثر عیدی ۲۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان خواهد بود.
اما این سقف می‌تواند افزایش یابد و برخی کارفرمایان به دلیل پایین بودن دستمزد جامعه کارگری، معمولاً عدد بالاتری برای عیدی کارگران خود در نظر می‌گیرند که منع قانونی ندارد.

زندگی آگاهانه

زندگی‌ات را فقط به یک امید نبند!

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



یک کشتی فقط با یک لنگر نباید به دریا برود، همان‌طور که یک زندگی نباید به یک امید وصل باشد(اپیکتتوس). این جمله که زندگی من به این کار، عشق، برنامه یا غیره وابسته است را مخصوصا در بین جوانان زیاد می‌شنویم. این طرز فکر فقط یک چیز را به ما خاطرنشان می کند که صاحب این فکر انعطاف مورد نیاز برای زندگی و مشکلات آن را ندارد. همان‌طور که یک کشتی نمی‌تواند فقط با یک لنگر، امنیت خود را در دریا حفظ کند. شاید آن لنگر کار نکرد یا ثبات کافی را به کشتی نداد. در زندگی هم فقط با یک امید نمی توان دل بست. اگر این امید به یاس تبدیل شد چکار می کنی؟ ممکن است سال‌ها برای رسیدن به آرزویی تلاش کنی ولی نتیجه بدست نیاید. اگرچه خواستن، تصمیم، انتخاب و تلاش در کنترل ما قرار دارد ولی اهداف در دنیای بیرون و خارج از کنترل ما است. ممکن است به آن‌ها برسیم ممکن است نرسیم. درست است که یک هدف یا امید واحد باعث تمرکز بیشتر و تلاش بیشتر ما می‌شود،ولی به دلیلی که گفتیم همیشه لازم است یک برنامه جایگزین داشته باشیم. از سرنشینان آپولو یازده نقل شده است که در جیب روی آستین پیراهن‌شان شانزده حالت جایگزین برای عملیات نشاندن سفینه بر روی ماه داشته‌اند. یعنی اگر این قسمت کار نکرد، به جای آن چکار کنند و تا شانزده حالت جایگزین بعدی. زندگی هم همینطور است. همیشه به برنامه جایگزین نیاز داریم. البته این به معنای تلاش هم اندازه روی دو پروژه نیست. بلکه داشتن یه برگ دیگر در آستین برای وقتی که برنامه اول جواب نمی‌دهد. مثلا شما مدت‌ها تلاش می کنید شغلی را بدست بیاورید. ولی در آخرین لحظه، آب پاکی روی دستتان می‌ریزند و این پنجره برای شما بسته می‌شود. حال می‌خواهید چکار کنید؟ برنامه جایگزین این است که نیم نگاهی به یکی دو موقعیت شغلی دیگر هم داشته باشید تا در زمان شکست در پروژه اول، سراغ آن بروید.
بعد از این که به این آرزو رسیدی چکار خواهی کرد؟ گاهی ما به آن‌چه دنبال آن بوده‌ایم می‌رسیم ولی بعد از آن می‌بینیم یا آن چیزی نیست که می‌خواسته‌ایم یا آن‌قدر کافی نیست. بسیار اتفاق می‌افتد خانواده‌ای سال‌ها به دنبال مهاجرت به کشوری دیگر بوده، در روز موعود تمام زندگی خود را فروخته و به آن سمت آب می‌روند. ولی بعد از مدتی متوجه می‌شوند تحمل زندگی در آن جامعه را ندارند و باید برگردند. برنامه جایگزین در این مثال این است که دار و ندار خود را قبل از اطمینان از زندگی در مقصد به حراج نگذارند.
حالت دیگر این است که بعد از مدتی آن آرزو برای ما کوچک شده و ارضایمان نمی کند و باید دنبال بیشتر از آن باشیم. مغز ما خیلی زود به هر چیزی عادت می کند.
نتیجه این که بستن تمام امید خود به یک فرد، یک کار، یک دستاورد، تغییری اجتماعی، نظامی سیاسی، رخدادی طبیعی و هرچیزی می‌تواند برای ما ناامیدی ایجاد کند. چون طبیعت زندگی با تنوع، تغییر، رشد و تکامل تدریجی همراه است.



زنان سرپرست خانوار؛ چالش‌ها و راهکارها در سیاست‌گذاری اجتماعی

محی‌الدین حسینی‌مقدم - کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه

مقدمه: زنان سرپرست خانوار در ایران به‌عنوان یک گروه اجتماعی آسیب‌پذیر، با چالش‌های متعددی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند. بر اساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد این خانوارها در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است و این وضعیت نیازمند یک بررسی کارشناسانه، علمی، دقیق و جامع است. این مقاله به تحلیل وضعی

ت زنان سرپرست خانوار از زوایای مختلف می‌پردازد و با استفاده از رویکردهای نظری و داده‌های موجود، به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه توجه می‌کند.

چالش‌های اصلی: داده‌های ناکافی و سیاست‌های ناکارآمد

یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در این حوزه، کمبود داده‌های دقیق و به‌روز درباره وضعیت زنان سرپرست خانوار است. مرکز پژوهش‌های مجلس اشاره می‌کند که پس از سرشماری سال ۱۳۹۵، اطلاعات کافی در دسترس نیست و این فقدان داده‌ها می‌تواند تأثیر منفی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران داشته باشد. این مسئله به‌ویژه در مورد سیاست‌های حمایتی و اجتماعی محسوس است، زیرا بدون شناخت دقیق از نیازها و مشکلات این گروه، برنامه‌های طراحی شده ممکن است ناکارآمد باشند.

عدم هماهنگی در نظام آماری و مفهومی

چالش دیگر، عدم هماهنگی میان ارکان مختلف نظام آماری و ابهام در تعریف «زن سرپرست خانوار» است. بسیاری از مطالعات به‌دلیل فقدان توافق بر سر مفاهیم کلیدی، تنها به بررسی تعداد محدودی از شاخص‌ها بسنده کرده‌اند. این وضعیت نه تنها مانع از ایجاد یک تصویر جامع از وضعیت این زنان می‌شود، بلکه به عدم هماهنگی در سیاست گذاری‌ها منجر می گردد. در واقع، نبود یک چارچوب منسجم و تعریف‌شده برای بررسی این موضوع، به چالش‌های جدی در ارائه خدمات حمایتی دامن می‌زند.

نظریه‌های مرتبط: فمینیسم و نظریه‌های اجتماعی

از منظر نظری، می‌توان به نظریه‌های فمینیستی اشاره کرد که بر لزوم توجه به مسائل زنان در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تأکید دارند. این نظریه‌ها بر این نکته تأکید می‌کنند که برای درک بهتر وضعیت زنان سرپرست خانوار، باید به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توجه کرد. فمینیسم انتقادی همچنین بر لزوم ایجاد تغییرات ساختاری در سیاست‌ها و قوانین تأکید دارد تا بتوان به بهبود وضعیت این زنان کمک کرد.

فرصت‌ها: بازنگری در سیاست‌ها و قوانین

با وجود چالش‌های موجود، این وضعیت فرصتی را برای بازنگری در سیاست‌ها و قوانین مربوط به زنان سرپرست خانوار فراهم می‌آورد. مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد می‌کند که اصلاح قانون نظام آماری ایران و طراحی یک سامانه جامع برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های این قشر می‌تواند به بهبود وضعیت آن‌ها کمک کند. همچنین، ایجاد برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای این زنان می‌تواند به افزایش استقلال



مالی و اجتماعی آن‌ها منجر شود.

نتیجه‌گیری: ضرورت هم‌افزایی در سیاست گذاری‌ها

در نهایت، توجه به وضعیت زنان سرپرست خانوار و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود، نیازمند همکاری میان نهادهای دولتی، علمی و اجتماعی است. با ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع و به‌روز و همکاری میان ارکان مختلف، می‌توان امیدوار بود که سیاست‌های حمایتی به گونه‌ای طراحی شوند که هم به بهبود وضعیت این خانوارها کمک کند و هم به ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها و تقویت نهاد خانواده در جامعه ایرانی منجر شود.

این مسئله، علاوه بر این که یک چالش اجتماعی‌است، یک فرصت بزرگ برای تحول و پیشرفت در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی هم شناخته می‌شود. در نهایت، موفقیت در این حوزه نیازمند اراده و همت جمعی است تا بتوانیم جامعه‌ای عادلانه‌تر و توانمندساز برای زنان سرپرست خانوار ایجاد کنیم.

توهین در فوتبال: آینه‌ای از بحران فرهنگی و رسانه‌ای در جامعه ورزشی ایران

توهین اخیر محمود فکری، سرمربی فوتبال، به یکی از مربیان، صرفاً یک رفتار ناپسند نیست؛ بلکه نمایانگر چالش‌های عمیق‌تری در ساختار فرهنگی و رسانه‌ای جامعه ورزشی ایران است. این واقعه نیازمند تحلیل و نقدی جدی از منظر نظریه‌های رسانه‌ای، فرهنگی و جامعه‌شناسی است.

نقش رسانه‌ها در عادی‌سازی خشونت

رسانه‌ها در ایجاد و ترویج فرهنگی که رفتارهای توهین‌آمیز را نرمال می‌کند، نقش بسزایی دارند. نظریه ساختار- عمل نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی و رفتار فردی در تعامل با یکدیگر قرار دارند. با عادی‌سازی خشونت کلامی، رسانه‌ها به نرمال‌سازی چنین رفتارهایی کمک می‌کنند.

تضعیف هنجارهای اجتماعی

خشونت کلامی، به‌ویژه توهین‌های عمومی، می‌تواند هنجارهای اجتماعی را تضعیف کند. نظریه فرهنگ خشونت تأکید می‌کند که این نوع رفتارها می‌توانند به نرمال‌سازی خشونت در جامعه منجر شوند و جوانان را به الگوهای منفی سوق دهند.

تأثیرات بر روابط اجتماعی

طبق نظریه تعامل نمادین، معانی و ارزش‌ها از طریق تعاملات اجتماعی ساخته می‌شوند. توهین به یکی از مربیان، به‌عنوان یک عمل نمادین، می‌تواند فرهنگ بی‌احترامی و عدم تحمل را تقویت کند و تنش‌ها و خشونت‌ها را در محیط‌های ورزشی افزایش دهد.

سلامت روان ورزشکاران

این نوع توهین‌ها نه‌تنها بر سلامت روان ورزشکاران تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به کاهش مشارکت اجتماعی و اعتماد به نفس آن‌ها منجر شود. نظریه خود و هویت اجتماعی نشان می‌دهد که چنین رفتارهایی احساس انزوا و کاهش هویت اجتماعی را در ورزشکاران به همراه دارد.

مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها

رسانه‌ها باید نقشی مسئولانه‌تر در انتشار اخبار و ترویج رفتارهای مثبت ایفا کنند. نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه تأکید می‌کند که رسانه‌ها باید به‌جای تقویت خشونت و بی‌احترامی، به ترویج ارزش‌های اخلاقی و احترام متقابل بپردازند.

نتیجه‌گیری: توهین محمود فکری به یکی از مربیان، نمایانگر بحران عمیق فرهنگی و رسانه‌ای در حوزه ورزش ایران است. برای تغییر این وضعیت، به رویکردی جامع نیاز داریم که شامل آموزش‌های اخلاقی، تنبیه رفتارهای ناپسند و نقش فعال رسانه‌ها در ترویج فرهنگ احترام و همکاری باشد. همکاری همه ذینفعان در حوزه ورزش برای ایجاد فضای سالم و محترمانه ضروری است.

مصاحبه نسیم جنوب با مهدیه صفایی، هنرمند بوشهر:

در زمینه استعداد هنری خود تلاش کنید

مصاحبه از احمد موسوی‌زاده

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– مهدیه صفایی هستم. در بوشهر به دنیا آمده‌ام و شغلم نیز تدریس در مدارس غیرانتفاعی است.

– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟

– من در رشته کالیگرافی و نقاشی خط مشغول فعالیت هستم.

– چه شد که به این هنر علاقه‌مند شدید؟

– من از کودکی و به واسطه پدرم که ایشان نیز خطاطی می‌کردند به این هنر علاقه‌مند شدم، منتها به‌دلیل مشغله تحصیلی فرصت پرداختن به این مهم را نداشتم تا اکنون که زمان گذاشته‌ام و به علاقمندیم پرداخته‌ام.

– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟

– ده ماه است که زیر نظر استاد نجمه کرمانی دوره کالیگرافی و نقاشی خط را به‌طور کامل گذرانده‌ام.

– مشوقان و حامیان شما چه کسانی بودند؟

–همسر عزیزم پشتیبان و همراه همیشگیم و همین‌طور خانواده عزیزم که در این راه من را بسیار راهنمایی و همراهی نمودند. استاد محترم خانم کرمانی به واسطه حمایت هایی که کردند نقش مهمی در پیشبرد هدف و علاقمندی من داشتند.

– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– استقبال از این رشته بسیار فوق‌العاده است و در کلاس‌های استاد عزیزم، من شاهد این بودم که از همه سنین به این هنر علاقه دارند و در کلاس‌ها شرکت می‌کنند.

– وضعیت حمایت از هنرمندان این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– متأسفانه وضعیت حمایت از هنر به‌صورت کلی و بالاخص این رشته در استان بسیار کم و پایین است و ما از مسئولان می‌خواهیم که با برنامه‌ها و حمایت‌های ویژه‌ای که می‌توانند در مقابل هنرمندان داشته باشند، آن‌ها را در این راه همراهی کنند تا ما شاهد دلسردی هنرمندان و علاقه‌مندان در این عرصه نباشیم، چون واقعاً اگر حمایت‌ها و تلاش‌های مسئولان بیشتر شود، رشد و شکوفایی هنر و هنرمند می‌تواند در جهت پیشرفت و توسعه هنر و به فراموشی نرفتن آن کمک شایانی کند.

– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقمند به این رشته هنری هستند، دارید؟

– توصیه من این است که حتماً زمان بگذارند و در زمینه استعداد هنری خود تلاش کنند، زیرا هنر علاوه بر این که فعالیتی سرگرم کننده و مفید است، می‌تواند بر روحیه و روان انسان نیز تأثیر بسزایی داشته باشد.

– چه پیشنهادات و انتقاداتی برای بهتر شدن و پیشرفت این هنر در بوشهر دارید؟

– پیشنهاد من مانند دغدغه همیشگی‌ام، زنده نگه داشتن هنر در استان توسط مسئولین محترم است. زیرا ما علاقمندان، هرچند که پیگیر و مشغول هنر و هنرمندان باشیم، اگر شاهد همکاری و همراهی این عزیزان



نباشیم، قطعاً نمی‌توانیم در جهت رشد و پیشرفت آن گام برداریم.

– سخن پایانی؟

– از استاد عزیزم تشکر ویژه دارم، زیرا اگر حمایت و همراهی ایشان با صبر و حوصله فراوان در کلاس با ما نبود، ما نمی‌توانستیم کاری از پیش ببریم. برای ایشان روزهای درخشان و پر از موفقیت را همراه با سلامتی آرزو می‌کنم.

همچنین از شما به خاطر سهم پررنگ رسانه در این عرصه و حمایت‌تان از هنرمندان تشکر و قدردانی می‌نمایم.

مصاحبه نسیم جنوب با الهه دهقان، هنرمند در بوشهر:

با هنر به زندگی خود معنا بخشید



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

–الهه دهقان خلیلی هستم،۳۳ ساله، متولد شیراز و ساکن بوشهر، دارای مدراک کارشناسی حقوق و کاردانی گریم.

– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟

– من در رشته هنری کالیگرافی و نقاشی خط فعالیت می‌کنم.

– چه شد که به این هنر علاقه‌مند شدید؟

– از دیدگاه من هر انسانی تنها با هنر با هنر می‌تواند به آرامش درونی برسد و کالیگرافی و نوشتن خط این آرامش رو به من هدیه داد.

– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟

– من در این زمینه یک دوره به صورت مجازی ویک دوره خط ثلث و اجرای تکنیک های کالیگرافی روی بوم نزد استاد کرمانی آموزش دیدم.

– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– با توجه به نمایشگاه هایی که طی این چند سال اخیر در بوشهر برگزار شده استقبال مردم و رسانه ها روز به روز در حال پیشرفته است.

– مشوقان شما چه کسانی بودند؟

– خانواده، دوستانم و استاد کرمانی بزرگوار.

–هدف‌تان از پرداختن به هنر چیست؟

– اولین هدفم رسیدن به آرامش و دور شدن از دنیای مادی و این‌که دراین هنر بتوانم پیشرفت زیادی داشته باشم و سبک خودم رو ابداع کنم.

– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقمند به این رشته هنری هستند، دارید؟

– پیشنهاد می‌کنم برای درک بیشتر احساسات خود و رسیدن به آرامش به سراغ این هنر بروند و تا می‌توانند برای پیشرفت در این هنر تمرین و تلاش کنند و با دیدن معجزه دستان‌شان لذت ببرند.

– سخن پایانی؟

– در پایان تشکر می‌کنم از روزنامه ی نسیم جنوب بابت تلاش‌شان برای حمایت از هنرمندان. امیدوارم زمینه و امکانات کافی برای تمام هنرمندان سرزمینم فراهم شود تا بتوانند معجزه‌های درونی خود را کشف کنند و با هنر به زندگی خود معنا ببخشند.

واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول (۵)

تضادها و اختلافات روسای محلی، در نهضت مقاومت جنوب

دکتر حمید اسدپور



زمینه اصلی اختلافات بین روسای محلی در بوشهر، تضادهای ناشی از تلاش برای کسب منافع سیاسی و تجاری بود که قبل از نبرد با انگلستان نیز وجود داشت. تا پیش از نبرد با انگلیس، روسای محلی مانند شیخ حسین چاهکوتاهی به عنوان بازوی نظامی حاکم بوشهر عمل می‌نمود و شیخ حسین حتی در مواردی با دریافت توپ و تفنگ از حاکم بوشهر سعی در سرکوبی برخی از نیروهای تنگستانی داشت. همچنین برخی از رؤسای تنگستان مانند حسن‌خدابخش که از هم‌رزمان رئیسعلی محسوب می‌شد با زایرخضرخان و شیخ حسین چاهکوتاهی اختلافات ملکی و اقتصادی شدیدی داشت. (فرامرزی، ۱۳۷۷ :۲و۹۹) این تضادها چنان بود که حتی زمانی رئیسعلی خواهان رفع اختلافات و همراهی با زایرخضرخان اهرمی شد ولی شیخ حسین چاهکوتاهی از ترس نیروهای اهرمی سعی کرد از خوانین شبانکاره بهره گیرد.(بالیوز انگلیس در بوشهر، ۳۱۹:۱۳۸۶) ترس شیخ حسین چاهکوتاهی از این بود که نیروهای حامی رئیسعلی و زایرخضرخان با تهیه سلاح از مناطقی مانند بندر مسقط به خوبی مسلح شده بودند و با داشتن اطلاعات کاملی از چگونگی تهیه سلاح از بنادر خلیج فارس می‌توانستند نفوذ بیشتری به دست آورند.(چیک،۱۳۹۲:۱۲۷)

محبوبیت رئیسعلی قابل تحمل برای سران و روسای محلی نبود و کاملاً حسادت آن‌ها را برانگیخته بود. چنان‌که خود رئیسعلی‌دلواری در نامه‌ای به میرزاعلی‌کازرونی به توطئه این افراد علیه خودش اشاره کرده است.(رکن‌زاده‌آدمیت، ۱۱:۱۳۵۷) برخی از مورخان و پژوهشگران در ماجرای شهادت رئیسعلی دلواری نیز معتقدند که این روسای محلی بودند که توطئه قتل رئیسعلی را طراحی کردند. فراشبندی از نگرانی شدید زایرخضرخان اهرمی سخن گفته است که وی رئیسعلی را مانع اساسی در بسط قدرت خود می‌پنداشته است.(فراشبندی،۱۳۵۷:۶۵)

در سال ۱۳۲۹ق نیز نظام‌السلطنه والی فارس طی تلگرافی گلایه‌های خود را از حاکم بوشهر عنوان می‌دارد که شیخ حسین چاهکوتاهی را به جنگ علیه زایرخضرخان اهرمی برانگیخته است.(اسناد ایران در جنگ جهانی اول ،۱۳۷۰:۲۰) به واقع در تلگراف‌های متعدد نظام السلطنه نیز به اختلافات شدید میانه روسای محلی اشاره شده که حاکم بوشهر هم می‌توانست از این اختلافات در جهت توسعه نفوذ و قدرت خود بهره گیرد.

نتیجه: مساله مقاومت و پایداری در تاریخ ایران به ویژه در جنوب و استان کنونی بوشهر جایگاه ویژه‌ای دارد و از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ این سرزمین گردیده است. در جنگ جهانی اول مردم کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج‌فارس در استان بوشهر افتخارات جاودانه‌ای به سبب قیام‌ها و پایداری در برابر اشغالگران انگلیسی خلق نمودند. این مبارزات تحت تأثیر اندیشه‌ها و عقاید مذهبی و با حمایت علمای بزرگ صورت گرفت و شور ملی و میهنی در آن تلفیق گردیده بود. هرچند انگلیسی‌ها سعی کردند که نهضت مردمی را مرتبط با جاسوسان آلمانی نشان دهند و قیام‌های مردمی این ناحیه را به آلمان‌ها نسبت دهند؛ اما اسناد تاریخی بیانگر عقاید مذهبی و ملی این قیام کنندگان در برابر اشغالگران و مزدوران آن‌ها می‌باشد. برخی از حکام بوشهر نیز سعی کردند که حرکت‌های نیروهای مقاوت و پایداری علیه انگلیس را به شکل آشوب‌های محلی برای مقامات مرکزنشین بیان کنند.

به رغم درخشندگی این مبارزات در تاریخ ایران، واقعیت‌های تلخی در آن پدیدار شد. یکی از این واقعیت‌های تلخ، پراکندگی آرایش سیاسی و مواضع این حرکت‌ها می‌باشد که گاهی به رقابت و تضاد شدید میان روسای این قیام‌ها منجر گردیده است.



در این دوره روسای محلی در بوشهر به دو گروه رقیب در شمال و جنوب تقسیم شدند. روسای محلی نواحی شمالی بوشهر عمدتاً به هواداری و همراهی با انگلیسی‌ها پرداختند و روسای نواحی جنوبی رهبری مبارزه علیه انگلیس را بر عهده داشتند که البته در میان همین روسای محلی جنوب نیز اختلافات عمیقی وجود داشت.

اصل مسلم آن است که نهضت مردم جنوب به رهبری رؤسای محلی شکل گرفت معلول شرایط بسیار گسترده است و همین شرایط یکی از زمینه‌های مهم در پراکندگی آرایش سیاسی این قیام‌ها است. چنان‌که پس از مشروطه کابینه‌های بسیار متزلزل و کوتاه مدتی در ایران بر سر کار آمدند و این وضعیت در جنگ جهانی اول نیز شدت یافت.

ضعف سیاسی، نظامی و مالی دولت مرکزی و به تبع آن حکمران بنادر، این فرصت را به روسای محلی داد تا در پی گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود باشند. تلاش آن‌ها برای تحصیل منافع بیشتر، خود سبب پراکندگی، رقابت و گاهی جنگ میان آن‌ها می‌گردید. علاوه بر آن تقسیم بندی نامنظم کشوری هم به این مساله دامن می‌زد. چنان‌که برخی نواحی مانند لیراوی و تنگستان که از نظر جغرافیایی با بوشهر مرتبط بودند زیر نظر حکمران بوشهر اداره نمی‌شدند و تحت نظر حاکمان خوزستان و فارس قرار داشتند. در آن شرایط تاریخی و بعد مسافت این حاکمان نمی‌توانستند به اداره منظم این سرزمین‌ها بپردازند و این فرصت را به روسای محلی می‌دادند تا خودسری‌های خود را تداوم بخشند.

مساله دیگر در پراکندگی نیروهای مقاومت آن بود که انگلستان با حمایت گسترده از روسای محلی در شمال بوشهر آن‌ها را به جنگ و رقابت با روسای جنوبی ترغیب می‌کرد و همچنین با تطمیع برخی روسای جنوب به نفوذ و رخنه خود در میان این نهضت پرداخت و به اختلافات آنان دامن می‌زد. انگلستان در اجرای نقشه‌های خود گاهی از مشایخ عرب خوزستان مانند شیخ‌خزعل بهره برده است.

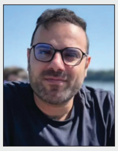
عامل مهم دیگری که ضربات عمیقی بر پیکره مقاومت مردم جنوب زد تضادها و اختلافات روسای محلی جنوب بر سر مسائل سیاسی و اقتصادی بود. این روسا سعی در گسترش منافع و بهره‌گیری وسیع از اوضاع سیاسی و اقتصادی داشتند.

به‌واقع آنان تلاش نمودند تا با توجه به تزلزل قدرت سیاسی دولت مرکزی، در جنبه‌های مختلف اقتصادی مانند مالیات‌ها، عوارض گمرکی و راهداری و هم چنین درآمدهای کشاورزی بیشترین بهره را ببرند.

این تضاد منافع، سبب آرایش و مواضع سیاسی و گاهی نظامی پراکنده آنان در برابر اشغالگران گردید و در نهایت یکی از علل ناکامی این نهضت بزرگ شد.

لازم به ذکر است که این حرکت‌ها و مقاومت‌ها فاقد تشکیلات منظم و زیرساخت‌هایی بودند که بتوانند نیروی گسترده مردمی را به شکل سازمان‌یافته علیه انگلیس بسیج کنند. فقدان همین زیرساخت‌ها خود سبب اختلافات میان روسا و عدم همگرایی مواضع سیاسی و نظامی آن‌ها در برابر انگلیس گردید.

فلسفه و گردش‌گری

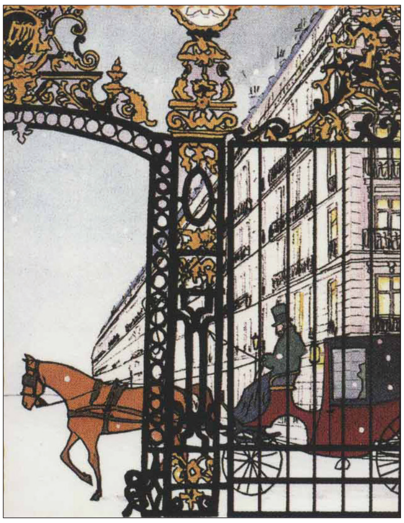


محمد هاشم‌زاده

به طور تقریبی، ۴ دلیل و دیدگاه (غیراقتصادی و غیرسیاسی) از دید فلسفه برای سفر آورده شده است: «جستجوی معنا و حقیقت»، «تجربه زیبایی‌شناختی»، «رشد فردی و فرهنگی» و «فرار از روزمرگی، تجربه اصیل زندگی». در ادامه به فیلسوفانی که در زمینه گردشگری و سفر و دلایل آن سخن گفته‌اند، خواهیم پرداخت.

الف. «جستجوی معنا و حقیقت»: افلاطون (۴۲۷–۳۴۷ پیش از میلاد)، در کتاب «جمهور» و در «تمثیل غار»، انسان‌ها را به عنوان زندانیان درون غاری تصور می‌کند که تنها سایه‌هایی از واقعیت را می‌بینند. یکی از زندانیان موفق می‌شود از غار خارج شود و نور حقیقت را ببیند. این خروج از غار، به نوعی نماد و استعاره‌ای از سفر به سوی حقیقت و شناخت است. بنابراین افلاطون، سفر را بیشتر به عنوان جستجوی معنوی و شناخت حقیقت از طریق تفکر فلسفی می‌دید. سن آگوستین (۳۵۴–۴۳۰ میلادی)، از فلاسفه قرون وسطی (که فیلسوفان آن دوره به دنبال برقراری ارتباط بین فلسفه یونان باستان و مسیحیت بودند)، سفر را راهی برای رسیدن به خدا و یافتن معنای زندگی می‌دانست. در کتاب «چنین گفت زرتشت» اثر فردریش نیچه (۱۸۴۴–۱۹۰۰ میلادی)، زرتشت (نمادی برای بازبینی ارزش‌ها)، سفری معنوی را آغاز می‌کند که در طول آن به بازنگری ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی می‌پردازد. بنابراین نیچه، سفر را فرصتی برای بازبینی ارزش‌ها، رهایی از محدودیت‌های اجتماعی، و جستجوی اراده به قدرت می‌دانست. در قرن ۱۹ و ۲۰، فلسفه اگزیستانسیالیسم (سورن کی‌یرکگور، ژان پل سارتر) بر جستجوی معنا در زندگی تاکید دارد، که و سفر به عنوان راهی برای تجربه‌های شخصی و یافتن معنا می‌تواند دیده شود. از نگاه اگزیستانسیالیستی، سفر راهی برای رویارویی با وضعیت وجودی فرد و درک عمیق‌تری از زندگی و خود است.

ب. «تجربه زیبایی‌شناختی»: ارسطو (۳۸۴–۳۲۲ پیش از میلاد) به طور مستقیم به سفر نپرداخته است، اما در کتاب‌های «فن شعر» و «اخلاق نیکوماخوس» به لذت و تجربه زیبایی‌شناختی اشاره کرده است. او معتقد بود که از طریق تجربه زیبایی و هنر، انسان می‌تواند به لذت و دانش دست یابد، و این مفاهیم را می‌توان به تجربه‌های زیبایی‌شناختی حاصل از سفر نیز بسط داد. امانوئل کانت (۱۷۲۴–۱۸۰۴ میلادی) در کتاب «نقد قوه حکم» به موضوع والایی و زیبایی طبیعی پرداخته است. او معتقد بود که تجربه‌های زیبایی‌شناختی و مواجهه با طبیعت عظیم و بزرگ (همچون کوه‌ها یا اقیانوس‌ها) می‌تواند انسان را به حس والایی برساند. در این چارچوب، سفر



به عنوان وسیله‌ای برای تجربه این نوع زیبایی و درک عمیق‌تر از طبیعت و هنر قابل درک است. فردریش نیچه در کتاب «انسانی، بسیار انسانی» به تجربه زیبایی‌های طبیعی و هنری و اهمیت آن‌ها در رشد فردی و رهایی از قید و بندهای فرهنگی پرداخته است. نیچه، سفر را نه تنها راهی برای جستجوی معنای و حقیقت، بلکه به عنوان فرصتی برای تجربه زیبایی‌شناختی و رهایی از محدودیت‌های فرهنگی می‌دانست. مکتب لذت‌گرایی که با اپیکور (۳۴۱–۲۷۰ پیش از میلاد) معرفی شد و بر ساده‌زیستی و دوری از درد و اضطراب تاکید داشت، در قرن ۱۹ و ۲۰ توسط «جرمی بنتام» و «جان استوارت میل» دوباره مطرح شد، ولی نسخه جدید آن بر بیشترین خوشی برای بیشترین افراد (فلسفه فایده‌گرایی) تاکید دارد. لذت‌گرایی در این نگاه بر لذت‌بردن از جنبه‌های زیبایی‌شناختی زندگی و سفر متمرکز است، و گردشگری می‌تواند فرصتی برای تجربه زیبایی‌های طبیعی، هنری و فرهنگی باشد که به احساس لذت و خوشی در فرد منجر می‌شود.

پ. «رشد فردی و فرهنگی»: دیوید هیوم (۱۷۱۱–۱۷۷۶ میلادی)، فیلسوف بریتانیایی، در کتاب «رساله‌ای درباره طبیعت انسان» به اهمیت تجربه در کسب دانش میپردازد. اگرچه هیوم به طور مستقیم به سفر اشاره نکرده است، اما نظریات او درباره اهمیت تجربه به عنوان منبع اصلی دانش، می‌تواند به این ایده مرتبط شود که سفر راهی برای رشد فردی و فرهنگی از طریق تجربه مستقیم و شناخت فرهنگ‌های مختلف است. آبراهام مزلو (۱۹۰۸–۱۹۷۰ میلادی)، روانشناس آمریکایی که به عنوان پدر روان‌شناسی انسان‌گرایانه شناخته می‌شود، با معرفی «هرم نیازهای مَزلو»، نیازهای انسان را به ترتیب اولویت به نیازهای زیستی، امنیتی، اجتماعی، عزت نفس و خودشکوفایی تقسیم کرد. از دید مزلو، سفر به عنوان ابزاری برای رشد شخصی، خودشکوفایی و برآوردن نیازهای بالاتر انسانی مانند خودشناسی، یادگیری و رشد فردی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. جان اوری (۱۹۴۶–۲۰۱۶ میلادی)، جامعه‌شناس بریتانیایی معاصر و استاد سابق دانشگاه لَنکستر، در چارچوب جامعه‌شناسی فرهنگی و پساساختارگرایی و همسو با فلسفه پسااستعماری، در کتاب «نگاه توریستی»، به بررسی نقش گردش‌گری در شکل‌گیری هویت و ادراک فرهنگی می‌پردازد و گردش‌گری را یکی از مهم‌ترین منابع برای رشد فردی و فرهنگی می‌داند. رونالد اینگلهارت (۱۹۳۴–۲۰۲۱ میلادی)، اندیشمند سیاسی آمریکایی و استاد علوم سیاسی دانشگاه میشیگان، با نگاه فلسفه پسامادی‌گرایی، به این موضوع اشاره دارد که افراد در جوامع پسامادی (نسل‌های جوانی که در دوران رفاه و ثبات بزرگ شده‌اند و برای آنان، ارزش‌های غیرمادی مانند آزادی فردی، خودشکوفایی، و حفظ محیط‌زیست، جایگزین نیازهای مادی اولیه شده‌اند)، به جای تمرکز بر نیازهای مادی، بیشتر به دنبال تجربه‌های معنادار و فرهنگی هستند. این تغییر ارزش‌ها در سفر نیز منعکس می‌شود و انسانها در آن جوامع، به جای خرید لوازم منزل یا پوشاک گران‌قیمت، بیشتر به سمت تجربه‌هایی غیرمادی مانند سفر کردن می‌روند، که از این رو، گردشگری به عنوان راهی برای کشف تجربه‌های معنادار فرهنگی و انسانی مطرح می‌شود.

ت. «فرار از روزمرگی، تجربه اصیل زندگی»: مارسل پروست (۱۸۷۱–۱۹۲۲ میلادی)، از برجسته‌ترین نویسندگان فرانسوی قرن ۲۰، در کتاب «در جستجوی زمان از دست رفته» بر اهمیت نگاه و نگرش انسان به جهان و تجربه‌هایش، از جمله سفر، تأکید می‌کند. او بیان می‌کند که سفر و تغییر مکان به خودی خود ممکن است چندان تغییری در زندگی ایجاد نکند، بلکه نحوه نگرش و درک ما از تجربه سفر است که اهمیت بیشتری دارد. پروست بر این باور است که زیبایی و غنای سفر در کشف و تجربه جدید از جهان، حتی در مکان‌های آشنا، از طریق تغییر در نحوه نگاه و ارتباط ما با محیط است. مارتین هایدگر (۱۸۸۹–۱۹۷۶ میلادی)، فیلسوف آلمانی، در کتاب «هستی و زمان» میان زندگی «غیر اصیل» و «اصیل» تمایز قائل می‌شود. هایدگر استدلال می‌کند که برای فرار از این وضعیت روزمره و رسیدن به زندگی اصیل، فرد باید با واقعیت‌های بنیادین هستی خود مانند مرگ، تنهایی، و زمان روبرو شود. در این مسیر، انسان به درک عمیق‌تری از وجود و معنای زندگی می‌رسد. اگرچه هایدگر به طور مستقیم درباره سفر صحبت نمی‌کند، مفهوم فرار از روزمرگی و جستجوی اصالت، به نوعی می‌تواند با ایده سفر و ترک عادت‌های روزمره برای تجربه چیزی جدید و معنادار مرتبط باشد. در نظریه «جهانی‌سازی» که در قرن ۲۰ میلادی توسط نظریه‌پردازان و محققان اجتماعی و اقتصادی مانند آنتونی گیدنز، زیگمونت باومن، و مانوئل کاستلز توسعه یافته است، گردش‌گری به عنوان راهی برای فرار از روزمرگی و تجربه فرهنگ‌های مختلف و ناشناخته مطرح می‌شود. برای نمونه، گیدنز در کتاب «پیامدهای مدرنیته» به جهانی‌سازی به عنوان پدیده‌ای اشاره می‌کند که زندگی روزمره افراد را به واسطه پیوند دادن جوامع مختلف به همدیگر و ایجاد تجربه‌های جدید از فرهنگ‌های ناشناخته تحت تأثیر قرار می‌دهد. او معتقد است که این تجربه می‌تواند افراد را به چالش بکشد تا از محدودیت‌ها و چارچوب‌های سنتی و روزمره خود فراتر بروند و به تعامل با جوامع و فرهنگ‌های جهانی بپردازند، که گردشگری به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای تجربه و تعامل با پدیده جهانی‌سازی مطرح می‌شود.



هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



پایان سیاست صبر و مقاومت: فرصتی برای صید بزرگ یا حکایت پیرمرد و دریا؟

حسین صداقت

سیاست صبر و مقاومت ایران در برابر فشارهای خارجی، به‌ویژه در دوران تحریم‌های سنگین، به‌عنوان یکی از استراتژی‌های کلیدی در تعامل با جهان شناخته شده است. اما گاه تغییر شرایط و الزامات جدید، تغییر رویکردهای کلان را ضروری می‌سازد. پرسشی که در این میان مطرح می‌شود، این است که اگر ایران تصمیم به پایان این سیاست بگیرد و مسیر جدیدی در پیش گیرد، آیا این تغییر به صیدی بزرگ می‌انجامد یا خطر تکرار حکایت «پیرمرد و دریا» اثر ارنست همینگوی وجود دارد؟ در این یادداشت تلاش می‌کنم با بهره‌گیری از این استعاره، فرصت‌ها، چالش‌ها و الزامات تغییر سیاست را بررسی کنم.

صید بزرگ: فرصت‌ها و دستاوردهای بالقوه

پایان سیاست صبر و مقاومت می‌تواند به گشایش‌هایی در عرصه‌های مختلف منجر شود. این تغییر ممکن است شامل بهبود روابط دیپلماتیک، رفع یا کاهش تحریم‌ها، و بازگشت ایران به بازارهای جهانی باشد. چنین دستاوردهایی را می‌توان به «صید بزرگ» تشبیه کرد؛ یعنی دستاوردی که در صورت تحقق، می‌تواند مسیر پیشرفت کشور را هموار کند.

با این حال، همان‌طور که در داستان پیرمرد و دریا، صید ماهی بزرگ به تنهایی موفقیت نهایی نبود، این دستاوردها نیز تنها در صورتی ارزشمند خواهند بود که مدیریت و محافظت شوند.

کوسه‌ها: تهدیدهای پیش‌رو در مسیر بازگشت به ساحل در مسیر تحقق و تثبیت دستاوردها، ایران ممکن است با مجموعه‌ای از تهدیدها و موانع مواجه شود که همانند کوسه‌های داستان همینگوی، می‌توانند ذره‌ذره از این دستاوردها بکاهند. این تهدیدها عبارت‌اند از:

۱. فشارهای بین‌المللی: حتی در صورت توافقات اولیه، ممکن است کشورهای مخالف یا رقبا تلاش کنند با اعمال محدودیت‌های جدید یا تحریک اختلافات منطقه‌ای، روند موفقیت ایران را مختل کنند.

۲. بی‌ثباتی داخلی: اختلافات داخلی، سوءمدیریت یا عدم هماهنگی در اجرای سیاست‌های جدید می‌تواند به تضعیف دستاوردهای اولیه بینجامد.

۳. عدم اعتماد جهانی: تغییر سیاست به تنهایی نمی‌تواند اعتماد جهانی را بازگرداند. اقدامات اعتمادساز و برنامه‌های بلندمدت ضروری است تا جامعه بین‌المللی رویکرد جدید ایران را پایدار بداند.

۴. فشارهای منطقه‌ای: کشورهای منطقه که منافع خود را در خطر می‌بینند، ممکن است با ائتلاف‌های جدید علیه ایران، موانعی ایجاد کنند.

رسیدن به ساحل: چالش حفظ دستاوردها در داستان همینگوی، پیرمرد ماهیگیر پس از نبردی طاقت‌فرسا موفق می‌شود ماهی بزرگ را صید کند، اما کوسه‌ها آن را چنان تکه‌تکه می‌کنند که او تنها با اسکلت ماهی به ساحل می‌رسد. این بخش از داستان به ما یادآوری می‌کند که دستیابی به موفقیت تنها یک مرحله از مسیر است و حفظ و بهره‌برداری از آن به استراتژی‌ها و برنامه‌های دقیق نیاز دارد.

برای این‌که ایران در مواجهه با این چالش‌ها موفق شود، باید:

۱. برنامه‌ریزی بلندمدت: تغییر سیاست‌ها باید با استراتژی‌های اقتصادی، دیپلماتیک و اجتماعی هماهنگ باشد.

۲. اتحاد داخلی: بدون اجماع میان نخبگان سیاسی و اجتماعی، هر تغییری آسیب‌پذیر خواهد بود.

۳. تعامل هوشمندانه با جهان: سیاست جدید باید بر پایه تعامل سازنده با کشورهای مختلف و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی باشد.

۴. تقویت توان داخلی: توانمندسازی اقتصاد، دیپلماسی و صنایع کلیدی ایران به کاهش آسیب‌پذیری‌ها کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری: فرصت یا اسکلت؟

تغییر سیاست صبر و مقاومت ایران می‌تواند فرصت بزرگی برای پیشرفت و گشایش باشد، اما این مسیر بدون چالش نیست. همان‌طور که پیرمرد ماهیگیر برای حفظ ماهی بزرگ خود تلاش کرد اما در نهایت تنها اسکلت آن را به ساحل آورد، ایران نیز اگر نتواند دستاوردهای خود را از تهدیدهای داخلی و خارجی محافظت کند، ممکن است نتیجه‌ای مشابه بگیرد.

در نهایت، موفقیت این تغییر رویکرد نه‌تنها به تصمیم‌گیری هوشمندانه و اجماع داخلی، بلکه به برنامه‌ریزی دقیق برای مقابله با تهدیدها و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها بستگی دارد. تنها در این صورت است که ایران می‌تواند ماهی بزرگ خود را سالم به ساحل برساند.

بیش از یک قرن درمان بوشهری‌ها؛ با طبابت خاندان طبیب

امید زاهد: پس از درگذشت سیدعبدالرضا حکیم، معروف به حافظ‌الصحه از پزشکان سرشناس بوشهر در عهد ناصرالدین شاه قاجار، فرزندش سید محمد جعفر که تحصیلات علمی خود را در رشته پزشکی در دانشگاه علیگره هند سپری کرده بود به بندر بوشهر آمد و در عمارت مسکونی‌اش در محله بهبهانی که به عمارت طبیب مشهور است و در حال حاضر در اختیار بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر می باشد، به طبابت و مداوای بیماران بوشهری اهتمام ورزید.

سیدجعفر هم مانند پدرش اغلب به معالجه رایگان بیماران مشغول بود و از اعتبار و منزلت والایی نزد عموم مردم بوشهر برخوردار بود.

پس از مرگ سید جعفر، فرزند ایشان سید علی که تحصیلات پزشکی خود را در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به پایان رسانیده بود، به بندر بوشهر آمد و در راستای شغل طبابت پیشینیان خود، به مداوای بیماران بوشهری پرداخت.



از راست دکتر شهیم، دکتر بیطرف، دکتر اصغرنیا، دکتر موسوی (رییس اداره بهداری)، دکتر سید علی طبیب و دکتر برادران. دهه ۱۳۴۰ خورشیدی

سید علی مطب خود را در عمارتی در محله کوتی که آن هم به عمارت طبیب مشهور است مستقر نمود و در همان‌جا شبانه‌روز به معالجه بیماران مشغول شد.

شایان ذکر است که در دوران تحصیل در دانشگاه تهران در دهه سی شمسی، در دفتر حضور و غیاب کلاسی اسامی سه تن از دانشجویان سید علی طبیب، خدارحم عادلی و سید ابراهیم عزیزی آمده بود که هر سه نفر پس از فراغت از تحصیل به بندر بوشهر آمدند و منشأ خدمات ارزشمندی برای مردم شدند.

سیدعلی طبیب تا زمانی که از سلامت جسمی برخوردار بود به مداوای بیماران می‌پرداخت و در سال‌های کهولت عازم تهران شد. او نیز به مانند پدر مورد اعتماد و وثوق عموم مردم بندر بوشهر بود. او متولد ۱۳۰۶ خورشیدی و در بین مردم به آسید علی شهره بود که به طبابتش ایمان فراوان داشتند.

گفتنی است سیدعلی طبیب در یک روز معین، ساکنان جزیره شیف را به توصیه پدر - سید جعفر - بصورت رایگان ویزیت می‌کرد.

در حال حاضر هم دو تن از فرزندان سیدعلی به نام‌های سید صالح و سید مسعود با تخصص اطفال و داخلی همانند بزرگان خاندان خود و بر اساس عهد و پیمانی که با جد بزرگوارشان سید عبدالرضا حافظ الصحه بسته‌اند به طبابت اشتغال دارند. زنده یاد دکتر سیدعلی طبیب در فروردین سال ۱۳۹۵ چشم از جهان فرو بست.